

نویسنده: پیتر رودگر (Peter Rodger).

منبع و تاریخ نشر: کمان دریم « 2022-07-07 ».

برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

اروپا در میان آتش قدرت های بزرگ گرفتار است

Europa caught between the fire of great powers

علیرغم لفاظی های شاد و سرخوش به ارتباط و اکنش های فوق العاده قوی و نیرومند اروپایی ها نسبت به حمله و یورش روسیه به اوکراین ؛ این درگیری و یا مخالفت نتوانست قاره اروپا را با هم در یک وحدت مستحکم و درگزیدن یک راه انقلابی نزدیک سازد. بلکه برعکس در واقع این جنگ اروپا را به میدان جنگ قدرت های بزرگ تبدیل کرد. چونکه اروپایی ها بین امنیت و ثبات اقتصادی در تحت رهبری ایالات متحده از طریق جریان انرژی روسیه گیر کرده اند. که این وضعیت به پیامد های اقتصادی و امنیتی منجر شده است که بطور جدی استقلال و وحدت منطقه را به خطر مواجه ساخته است .

بروز خشم و عصبانیت اکثر کشورهای اروپای شرقی به نسبت ادامه جنگ و بحران اوکراین و بروز رکود و بحران اقتصادی در این کشورها موجب عدم حمایت به اوکراین شده است یعنی که این کشورها به نسبت رکود اقتصادی که دامنگیر خودشان شده است نمیتوانند که به اوکراین کمک لازم نمایند. نصب و یا به اهتزاز در آوردن پرچم های آبی و زرد رنگ در خیابان های شهر یک چیزی است ؛ ولی متحمل شدن بار طولانی مدت مسولیت مالی برای اوکراین کاملاً چیزی دیگری است. با وجود تورم در کشورهای با لنتیک ؛ سعی و تلاشی که کشورهای اروپایی بخاطر تهیه و تدارک وجوه مالی برای فعالیت نظامی های اوکراینی کردند ؛ تنها (20) فیصد هزینه ای نظامی اوکراین را برآورده ساختند. آنچه که در اینجا قابل تذکر است این است که در جمهوری چک در ماه می نرخ تورم به (16) درصد رسید و بگفته کارشناسان تنها افزایش سریع نرخ بهره که توسط واحد پول مستقل این دولت تسهیل شد از افزایش بیشتر فیصدی تورم در این کشور جلوگیری کرد .

تامین و یا تهیه ناکافی زنجیره محصولات و تزئینات یا افزایش قیمت های انرژی موجب کاهش تولید محصولات صنعتی شده است. طوریکه در جمهوری های چک و سلواک تولیدات سالانه محصولات از (9,4) درصد به (3,8) درصد پایین آمده است. به همین

ترتیب در ماه اپریل آنچه که دقیقاً پیش بینی شده است انقباض بیشتری را نشان میدهد. نشانه ای دیگری از رکود اقتصادی بحران ورکود در تمام پروژه های انکشافی به سائز های مختلف به دلیل افزایش هزینه های ساختمانی است که شاید بوقوع پیوندد. رکود یا بحران با سپری شدن هر روز زندگی در حال تصاعد است؛ قیمت مواد غذایی سریعاً در حال افزایش است؛ قیمت گاز و برق در واقعیت امر ریکارد قایم کرده است؛ صعود سریع نرخ بهره در کشورهای غیر منطقه ایرو زون { Non-Eurozone } مثل جمهوری چک و پولیند که بطور ناگهانی اکثر مردم را از بازار وام مسکن بیرون کرد هویدا است که البته این رخداد نه تنها فقط اروپای شرقی را مصاب به نگرانی های تورم کرده است بلکه دیگر ها را نیز از نگرانی مصون نخواهد گذاشت. آن اینکه به اساس سروی یا نظرسنجی تازه که توسط شورای روابط خارجی اروپا صورت گرفت « هزینه زندگی و قیمت انرژی » بعنوان بزرگترین مایه نگرانی (61) قیصد پاسخ دهندگان را در سراسر قاره مبنی بر جنگ در اوکراین به نسبت صعود قیمت های زندگی وانمود میسازد.

واکنش ممکنه مردم عامه به نسبت رکود اقتصادی و خطرات مستقیم ناشی از قضیه جنگ اوکراین در وسط موفقیت های زود و اولیه و دادن قربانی مطلوب بخاطر آزادی کیف از یک سو و از سوی دیگر با طولانی شدن این درگیری و به امید رسیدن به موفقیت در جنگ اوکراین میتوان حدس زد که بگونه نورمال آغاز بوجود آمدن موانع سیاسی در پایتخت بعضی از کشورهای اروپایی خواهد بود.

به نسبت وقوع فضای مشکلات اقتصادی؛ نظر سنجی موخر منتشر شده **مردم چک** نشان داد ویا که حاکی از آن است که این خود سر آغاز دور شدن از ایتلاف دولتی حامیان اتحادیه اروپا است؛ نخست وزیر پیتر فیالا (Petr Fiala) تلاش های را برای مقصر دانستن افزایش قیمت ها بخاطر ایتلاف سلف خود در طول مدت پاندمی یا همه گیری انجام داد است.

چکی ها سبت به اراکین دولت و یا مقامات حکومتی خویش کمتر خواهان جنگ و منازعه هستند؛ چنانچه که مردم عامه چک به ارتباط موضوع جنگ در اوکراین در ماه جاری تا (78) فیصد گفتند که تا همین زمان کمک های کافی و لازم به اوکراین صورت گرفته است؛ پس در واکنش به این روند؛ **اندری بابی (Andrej Babi)** پیشوای اپوزیسیون شروع به حمایت از نگرش دست به دست نسبت به این وضعیت کرده است و بگوید که جمهوری چک قبلاً آنچه را که میتواند برای اوکراین انجام داده است.

فضا یا جوی سیاسی در سلواکیا که در آنجا حکومت متزلزل ایتلافی در لبه ای سقوط به نسبت تحریم ها بالای روسیه و بسته های ضد تورم قرار دارد این خود حتی بیشتر کشور را نا استوار ساخته که موجب کاهش و یا محدودیت کمک ها را به اوکراین خاطر نشان میسازد. وزرا اکنون یکدیگر خود را به نسبت دروغگویی و فریب در نتیجه اختلافات شدید بر سر مالیات بر نفت روسیه و سایر اقدامات اقتصادی متهم میکنند. اگر دولت منحل شود در آن صورت سه قسمت از سلواکی ها خواهان و یا طالب اپوزیسیون

خواهد شد یعنی که به صف مخالفین خواهند پیوست و غرب رامسول به تحریک نمودن روسیه به جنگ علیه اوکراین خواهند پنداشت و در این مورد از اینسو و آنسو بیشتر صداها شنیده خواهد شد- به گفته **رابرت فیکو (Robert Fico)** وزیر سابق : از اینکه دولت تسلیم و یا حاضر به پذیرش تا مین منافع آمریکا شد؛ تحریم های انرژی روسیه عملاً پالایشگاه اصلی نفت سلواکی را نابود خواهد کرد.

در جاهای دیگر اروپای شرقی پیشروان و یا منادیان افول و از هم پاشیدن اتحادیه های غرب نیز در حال رونما شدن است ؛ مانند ائتلاف استونی بعد از آنکه نخست وزیر کاجا کالاس (**Kaja Kallas**) گفت : که متحدان اش برخلاف اصول اساسی استونی کار کردند تا که این ائتلاف از هم بپاشد. در حالیکه بلغاریا طرفدار اتحادیه اروپا پس از خروج یکی از اعضای ائتلاف به دلیل یک موضوع مالی از هم پاشید و یا سقوط کرد.

فشار های اقتصادی نه تنها که موجب نگرانی های اروپای شرقی شده است ؛ بلکه فاصله منافع غرب اروپا را از اکثر کشورهای اروپای شرقی بیشتر ساخته است- جرمنی و فرانسه بیدون اجراءت پر زرق و برق در تهیه واریه کمک های نظامی به اوکراین و یا اقدامات ضعیف آنها در تامین کمک های مستمر نظامی به اوکراین ؛ بشمول خواسته ها و پیشنهادات باطل و بیهوده به **ولادیمیر پوتین** و طفره رفتن محافظه کارانه آنها مبنی بر اینکه آیا آنها میخواهند که اوکراین در این جنگ پیروز شود و یا که در تلاش اند تا مناسبات شان با روسیه عادی و نورمال گردانند ؛ ولی روی هم رفته در نتیجه، اکنون یک شکاف استراتژیک وجود دارد که با هر بیانیه ای که از آلمان و فرانسه منتشر می شود، بیشتر می شود. جنگ به طور قانع کننده ای نشان داد که قدرت نرم ابزار از استراتژی های قدرت سخت ابزار کوتاه تر است. این درسی است که بسیاری از سیاستمداران اروپای غربی مدت ها ست آن را نادیده گرفته اند.

به هر صورت امنیت ملی و سیاست دفاعی محضاً به مثابه نقطه آغازین روبراه کردن تعادل سیاست جدید در داخل اتحادیه اروپا میتواند تلقی شود یا که عمل کند و امابی اعتمادی عمیق اروپایی های شرقی به آلمان، فرانسه و ایتالیا به دلیل تمایل آشکار آنها برای از سرگیری روابط تجاری منظم با روسیه، قابل اغراق نیست. در نتیجه همسایگان شرقی در حال حاضر قاطع تر شده اند. **آرتیس پابریکس**، معاون نخست وزیر **لتونی**، پیشنهادهای متعدد **ماکرون** به **کرملین** را به عنوان نمونه ای از « به اصطلاح خواسته صریح غرب برای تحقیر خود همراه با جدایی کامل از واقعیت سیاسی» مورد انتقاد قرار داد. **مارکو میهکلسون**، رئیس کمیته روابط خارجی پارلمان **استونی** گفت: «این باور نکردنی است که چگونه رهبران فرانسه و آلمان به طور ناخواسته راه را برای اقدامات خشونت آمیز جدید از سوی روسیه هموار می کنند.

کشور های اروپای مرکزی و شرقی میدانند و یا آگاه اند که «ناتو» ؛ و نه اتحادیه اروپا ؛ خاستگاه اصلی امنیت نبوده و شاید که توانایی آنها (ناتو و اتحادیه اروپا) بخاطر به اقتدار ماندن کشورهای مستقل است با این وجود ؛ ضعف و ناتوانی آنها در مقابله با روسیه بهر طریق مفهوم شده ؛ اعتبار اتحادیه اروپا و تا حدی هم اعتبار « ناتو» را در تامین

امنیت دفاعی از بین برده است . بازیگران کلیدی دفاع اروپا در دهه‌های بعدی آلمان و فرانسه، قدرت‌های روسیه دوست اتحادیه اروپا نیستند، بلکه کشورهای اروپای مرکزی و شرقی، کشورهای با لیتیک و شمال اروپا خواهند بود . این به این دلیل است که روسیه دیگر تنها یک منبع نگرانی نیست، بلکه یک تهدید واقعی است . در نتیجه، تعادل قدرت جدیدی در حال شکل‌گیری است که ویژگی‌های آن به تدریج آشکارتر می‌شود .
با افزایش فشارهای امنیتی و اقتصادی، منطقه‌ای که به سرعت به پایگاه ائتلاف طرفدار اوکراین تبدیل شد، اکنون به کانون ناآرامی‌های سیاسی تبدیل شده است . یا اروپایی‌ها وحدت خود را حفظ می‌کنند و خودمختاری خود را توسعه می‌دهند یا بین دو آتش قدرت‌های بزرگ خواهند سوخت .

چند سطر در مورد نویسنده این مقاله :

پیتر راجرز فارغ التحصیل روابط بین‌الملل از دانشگاه پن است . حوزه مورد علاقه او روابط ایالات متحده با اوراسیا است . نوشته‌های او در وب‌سایت‌های تحلیل خبری مانند pergjegjessstatecraft.org و

----- **با تقدیم احترامات** «2022-07-12»